

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

آثار میرزای نائینی درباره حکومت اسلامی مجدداً مورد نظر قرار گرفته و پرورش یابد

حضرت آیت الله مکارم شیرازی، با اشاره به آثار و تالیفات مرحوم نائینی، تأکید کردند: آثار به جای‌مانده از ایشان به‌خصوص اثری که درباره حکومت اسلامی از این فقیه به یادگار مانده و در زمان خودش جنبه تاریخی داشته، باید مجدداً مورد نظر قرار گرفته و پرورش یابد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، در دیدار مسئولان برگزاری کنگره بین‌المللی میزای نائینی، با اشاره به اینکه این کنگره برای جبران مظلومیت ایشان است، گفتند: مرحوم نائینی در روزگار خود، شخصیتی روشن‌فکر بود و همین باعث شد تا کسانی که تحمل روشن‌فکری را نداشتند، ستم‌هایی به ایشان روا دازند.

ایشان بزرگداشت عالمان و فقیهان را نوعی عبادت و دارای فایده دانسته و افزودند: یکی از فواید بزرگداشت علما و بزرگان، احیای آثار آنان و رغبت به امر روحانیت است.

معظم‌له با اشاره به آثار و تالیفات مرحوم نائینی، تأکید کردند: آثار به جای‌مانده از ایشان به‌خصوص اثری که درباره حکومت اسلامی از این فقیه به یادگار مانده و در زمان خودش جنبه تاریخی داشته، باید مجدداً مورد نظر قرارگرفته و پرورش یابد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در پایان این دیدار، ضمن ابراز خرسندی از برگزاری این کنگره، برای دست‌اندرکاران برگزاری آن دعا نمودند.

معاون تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

هسته‌های فکری مسلط به اندیشه‌های امامین انقلاب در حوزه‌های علمیه تشکیل شود



حجت‌الاسلام والمسلمین عالم‌زاده نوری گفت: امروز حوزه برای پاسخ‌گویی، نیازمند هسته‌های فکری مسلط به اندیشه‌های فکری امامین انقلاب است.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین عالم‌زاده نوری، معاون تهذیب و تربیت حوزه‌های عملیه کشور در نشست هم‌اندیشی رابطان امور معرفتی مدارس علمیه قم، با بیان اینکه برای ترویج مبانی اندیشه‌ای امامین انقلاب لازم است، جریان‌سازی کرد و برنما‌ها را پیش برد، گفت: این طرح مورد تأیید بزرگان حوزه است و باید برای اجرای آن اهتمام داشت. وی بیان کرد: امروز حوزه برای پاسخ‌گویی، نیازمند هسته‌های فکری مسلط به اندیشه‌های فکری امامین انقلاب است. این کار هم شدنی است؛ به این‌صورت که برنامه‌های مطالعاتی داشته باشیم. مثلاً هریک ساعت، ۲۰ صفحه مطالعه. با این کار اتفاق خوبی در بحث مطالعات معرفتی و اندیشه‌ای خواهد افتاد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عالم‌زاه نوری گفت: تلاش کنیم، با معارف دینی و معرفتی آشنا شویم و طلاب مدارس علمیه را هم دعوت به این برنامه کنیم. امروز شخصیت‌هایی مانند امامین انقلاب، شهید صدر، شهید آیت‌الله مطهری و مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی و... از اندیشمندان فکری و اندیشه‌ای در حوزه مبانی اسلامی هستند. با مطالعه این نوع اندیشه‌ها، می‌توان با حقیقت ناب اسلام آشنا شد.

معاون تهذیب حوزه‌های علمیه افزود: حفظ دین از رسالت‌های امروز حوزه است. این سخن به‌معنای آن است که اسلام در سطح جامعه جاری شود. اگر امروز اسلام را می‌فهمیم، این مسأله حاصل اندیشه‌های بزرگان حوزه و امامین انقلاب است.

- جریان‌سازی طرح اندیشه فکری امام خامنه‌ای در مدارس علمیه**

حجت‌الاسلام والمسلمین واحدی، معاون تهذیب حوزه علمیه قم نیز در این نشست، با اشاره به انتظار و رسالت‌های این دفتر از رابطان، گفت: پوشش جامع و جریان‌سازی برای ارتقا و ترویج اندیشه فکری رهبر انقلاب در بین مدارس علمیه، مدیران و اساتید، از جمله این موارد است. باید یاد بگیریم که امور معرفتی را چگونه ارتقا دهیم و در عین‌حال برای انجام بهتر کارها، فعالیت‌ها را براساس دوره‌های آموزشی و مسابقه کتاب‌خوانی برنامه‌ریزی کنیم.

معاون تهذیب حوزه علمیه قم اظهار کرد: برای ترویج مبانی فکری، دوره‌های مختلف معرفتی و مسابقه کتاب‌خوانی طراحی شده است که برگزیدگان این دوره‌ها، به مشهد مقدس مشرف خواهند شد.

- حدیثی نورانی از امام کاظم ^(ع)**

طبق حدیثی در کافی، یکی از فضائل حضرت فاطمه زهرا^(ع) فضیلتی است که امام همام حضرت موسی‌بن جعفر^(ع) در پاسخ به پرسش عالمی مسیحی می‌دهند؛ در کتاب شریف کافی، حدیث مفصلی روایت شده که در آن، عالمی مسیحی از امام موسی‌بن جعفر^(ع) پرسش‌هایی می‌کند و آن‌حضرت پاسخ می‌دهد. در یکی از پرسش‌ها، او با ذکر آیات اول سوره دخان ﴿حَمِّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ، فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾، از تفسیر باطنی این آیات می‌پرسد و آن‌حضرت می‌فرماید: «أَمَّا حَمِّ فَهُوَ مُحَقَّمٌ ص وَهُوَ فِي كِتَابِ هُودِ الْإِلَهِ أَنْزِلَ عَلَيْهِ وَهُوَ مَقْفُوضُ الْخُذُوفِ؛» یعنی منظور از «حَم» حضرت محمد^(ص) است و این تعبیر در کتابی که بر حضرت هود^(ع) نازل شده، نیز آمده است و همان محمد است که حروفش ناقص شده است؛ بعد امام می‌فرماید: «وَأَمَّا الْكِتَابِ الْمُبِينِ فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ^(ع)؛» منظور از «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» همان امیرالمؤمنین ^(ع) است و سپس می‌فرماید: «وَأَمَّا اللَّيْلَةُ فِقَاطِمَةُ؛» منظور از «لَيْلَةُ» در آیه، همان فاطمه ^(ع) است و بعد این‌چنین ادامه می‌دهند: «وَأَمَّا قَوْلُهُ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ؛» یعنی خداوند در مورد «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، می‌گوید: از حضرت فاطمه زهرا^(ع) خیر کثیری صادر می‌گردد؛ مرد فرزانه‌ای و مرد فرزانه‌ای و مرد فرزانه‌ای.

- تاملی در معانی عرشی این روایت نورانی**

این ترجمه تحت‌اللفظی این بخش از حدیث است که در شأن حضرت فاطمه و پدر و شوهر و فرزندانش ^(ع) آمده است؛ اما اینکه چه حقایقی در مواردی این عبارات نورانی وجود دارد، باید اعتراف کرد که ذهن بشر از درک آن قاصر است؛ مگر اینکه خود آن‌حضرات ما را راهنمایی کنند و گوشه‌ای از عظمت حضرت فاطمه زهرا و خاندانش ^(ع) را برای ما افشاء کنند؛ ولی ما بر اساس بضاعت مجراجه، فقط می‌توانیم حدسیاتی بزینم و احتمالاتی را مطرح کنیم که در ادامه در حد امکان به آن می‌پردازیم.

- «أَمَّا حَمِّ» فَهُوَ مُحَقَّمٌ ^(ع)**

درباره بخش اول که امام ^(ع)، «حَم» را اشاره به حضرت محمد^(ص) می‌دانند و یادآوری می‌کنند که حضرت محمد^(ص) در کتابی که بر هود نبی ^(ع) نازل شده نیز، با همین عنوان «حَم» یاد شده است، نکته‌ای را که می‌توان حدس زد، این است که در مورد هود نبی ^(ع)، خداوند در قرآن دو مطلب را مطرح کرده است. یکی اینکه هود در مورد خدایش می‌گوید: ﴿إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۵۶ مرد)؛ خدای من بر راه «مستقیم» است و نیز می‌گوید ﴿إِنْ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ﴾ (۵۷ مرد)؛ خدای من بر هر چیزی «حفیظ» و نگهدار است و این می‌تواند، اشاره‌ای باشد به اینکه حضرت محمد^(ص) از آن جهت که مظهرانتم واکمل این دو اسم الهی است و این دو اسم، با شخصیت هود رابطه وثیقی دارند، از این‌رو در کتاب هود با عنوان «حَم» یاد شده است؛ یعنی در آنجا روشن گردیده که حقیقت محمدی، مظهر استقامت حق است و او در قالب حقیقت خود، خدای مستقیم و میزا و منزّه از هرگونه کژی را به نمایش می‌گذارد؛ نیز در آنجا روشن شده که آن‌حضرت مجلّای کاملی برای اسم «حفیظ» است و حفاظت حق را از هر آنچه باید محفوظ بماند، به منصه ظهور می‌گذارد؛ بنابراین در مجموع از این دو واسم و مظهریت کامل حقیقت محمدی برای این دو اسم، می‌توان نتیجه گرفت که این دو حرف، در کتاب هود و در قرآن، به‌راستی و درستی کامل حقیقت محمدی و دینش و به ماندگاری و محفوظ ماندن آئینش که مبتنی بر راستی و درستی کامل حقیقت محمدی اشاره می‌کند و به نحوه ارتباط حقیقت هود، با حقیقت محمدی که واسطه فیض به ماسوای است، اشاره می‌کند؛ این برداشت مخصوصاً با توجه به اینکه در ادامه حدیث از اهل بیت پیامبر ^(ع) یاد شده که ملاک درستی و معیار ماندگاری آئین محمدی هستند، برداشت قریب به واقع و قابل تصدیقی است؛ در ادامه حدیث، امام با جمله «وَهُوَ مَقْفُوضُ الْخُذُوفِ» تذکر می‌دهند که البته «حَم» رمزی است که در نشان دادن حقیقت محمدی گرفتار نقصان شده است و حروف دیگری لازم هست تا رمز کاملی از حقیقت محمدی باشد.

• **منظور از «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» بودن امیرالمؤمنین ^(ع)**
سپس امام می‌فرماید: منظور از «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» همان امیرالمؤمنین ^(ع) است؛ در توضیح این فرموده امام، می‌توان گفت که «کتاب» لوحی است منقوش به حروفی و کلماتی که بر معانی معینی دلالت می‌کنند؛ بر اساس این تعریف، می‌توان گفت هر موجودی در عوالم بالا، به‌خاطر اینکه وجود جامع و محیطش واجد سایر موجودات نازل‌تر بعدی است که هریک از آن موجودات، مظهر کمالاتی یا کمالاتی از کمالات حق است و نمایش‌دهنده اسمی یا اسمانی از اسمای حسنی است؛ از این‌رو آن موجود

▪ دوشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۳ ▪ ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ ▪ ۲ دسامبر ۲۰۲۴ ▪ سال بیست و سوم ▪ شماره ۸۴۴

www.ofoghhawzah.com



شب‌قدر بودن حضرت فاطمه زهراء ^(ع)

حجت‌الاسلام حسین عشاقی، عضو هیأت علمی گروه فلسفه پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

حدیث ثقلین پیامبر ^(ص) فرمود: «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛» یعنی با لن یفترقا»، توهم دلالت افتراق ظاهری آنها بر افتراق واقعی‌شان را باطل نمود؛ پس تفراق ظاهری بین دو کتاب ناطق و صامت را نباید به عوالم بالا برد؛ بلکه این دو چهره متفاوت از «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» در عالم کثرات مادی، در عوالم جمعی بدون هیچ تمایزی یک حقیقت واحدند.

در ادامه حدیث امام ^(ع) «لَيْلَةُ» را به حضرت فاطمه زهرا^(ع) تفسیر می‌کنند و می‌فرمایند «وَأَمَّا اللَّيْلَةُ فِقَاطِمَةُ ^(ع)». در باره این تفسیر امام، می‌توان گفت که طبق آیه (۹۶ انعام) ﴿فَاللَّهُ الْإِشْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلُ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُشْبَانًا ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ شب مایه آرامش است؛ بنابراین تفسیر «لَّيْلَةُ» به حضرت فاطمه، یک وجهش این است که آن‌حضرت مایه آرامش «الْكِتَابِ الْمُبِينِ»؛ یعنی حقیقت امیرالمؤمنین ^(ع) است، بیانش این است که حقیقت امیرالمؤمنین وقتی بنا شد، از مقام ذات احدی به عوالم کثرات نازل گردد، نزول حقیقت علوی از آن مقام، دوری از وصال ذات احدی بود؛ لذا نزول همان و گرفتاری به عذاب الیم فراق همان؛ اما این نزول، به‌خاطر دستگیری از بندگان و بالا بردن آنان، ضروری بود؛ از این‌رو حقیقت علوی برای رضای محبوب، فداکاری و ایثار کرد و گرفتاری به عذاب الیم فراق را بپذیرفت و با خروج از کنز مخفی به عوالم کثرات، مجاهدانه رضای محبوب را بر خواست خود ترجیح داد و در مقابل، به‌مقتضای «كَانَ سَعْيُكَمْ مُشْكُورًا» ذات احدی، به خاطر شکرگزاری از این ایثار امیرالمؤمنین ^(ع) و جهاد فی سبیل‌الله او، فرودگاه نزول حقیقت علوی را، حقیقت فاطمی قرار داد تا با انس به آن لایله مبارکه که رنگ و بوی ذات احدی می‌داد، نگرانی‌های فراق را از او بکاهد و عذاب هجران از محبوب را تخفیف دهد؛ از این‌رو فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ؛» یعنی ما امیرالمؤمنین را که همان «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» است، در فضای آرامش‌آور «لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» نازل ساختیم تا درد فراقش را به «لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» فاطمی تخفیف دهیم؛ این یک وجه تفسیر «لَّيْلَةُ» به حضرت فاطمه ^(ع).

و وجه دیگرش این است که «لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» بر اساس ۱) قدر) ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (۳۰ دخان) ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» همان شب قدر است؛ بنابراین اینکه امام فرموده‌اند: «وَأَمَّا اللَّيْلَةُ فِقَاطِمَةُ ^(ع)» به ملاحظه شب‌قدر بودن حقیقت فاطمی است؛ چنانکه در روایت دیگری به این معنی تصریح شده است.

- چگونه حقیقت فاطمی «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» است**

اما اینکه چگونه حقیقت فاطمی «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» است،

بیانش این است که شب قدر دو مشخصه دارد، یکی اینکه امور عوالم پایین‌تر در آن شب، تقدیر و اندازه‌گذاری می‌شود؛ زیرا «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (۲۱ حجر). دوم اینکه در آن شب، بر اساس اندازه‌گذاری‌های معین‌شده، حقیقت بسیط جمعی نازل

از مرتبه ذات الهی، به‌صورت حقایق متعددی، متفرق خواهد شد؛ زیرا «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، أَفْرَأُ مِنْ عِلْدِنَا» و این دو مشخصه در حقیقت فاطمی محقق است؛ زیرا چنان‌که گفته شد، حقیقت امیرالمؤمنین ^(ع) که همان وجود جمعی «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» است و در مرتبه ذات احدی با حقیقت فاطمی در کمال بساطت و بدون هیچ تمایزی واحد و یگانه بودند، اینک با صدور آنها از مرتبه ذات احدی و نیز با تنزل از مقام عنداللهی با به عرصه اولین کثرت خلقی نهاده‌اند و یکی در نقش نقاش و دیگر در نقش لوح تجلی کرده است و روشن است که لوح و خصوصیات آن است که خصوصیات نقاشی نقاش را معین کرده و اندازه و چگونگی هر بخش از کار او را تقدیر می‌کند؛ بنابراین این حقیقت فاطمی است که در نقش لوح، قدر و اندازه و چگونگی نقاشی و تصویرسازی حقیقت علوی را در آن ابتدای ظهور کثرت، معین و اندازه‌گذاری می‌کند؛ پس مشخصه اول در حقیقت فاطمی روشن گردید و اما مشخصه دوم را که همان تفرق حقیقت جمعی به امور متفرق است، امام خود در ادامه حدیث بیان کرده‌اند و فرموده‌اند: «وَأَمَّا قَوْلُهُ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ؛» در توضیح این بخش باید اول توجه نمود که در مورد تفرق امر در این شب قدر، ابتدا خداوند فرموده است: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ یعنی در آن لایله مبارکه قدر، هر امر حکیمی متفرق می‌گردد و سپس فرموده است: «أَفْرَأُ مِنْ عِلْدِنَا»، یعنی آن «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، امری است از نزد ما؛ یعنی توجه داده است که آنچه متفرق می‌گردد، اولاً از مقام عنداللهی صادر شده‌بود و ثانیاً هنگام صدورش از نزد ما، یک امر بود؛ ولی در عین حال هر امری بود: «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، بنابراین آن حقیقتی که بر اساس تقدیر حقیقت فاطمی متکثر گردید، در عین اینکه یک امر و یک حقیقت بود، اما همه امور نیز بود و این اشاره به وجود جمعی حقیقت علوی و حقیقت فاطمی است و اینکه در آن مقام که مقام صدور اولین مخلوق از ذات الهی است، حقیقت علوی و حقیقت فاطمی متحد بودند: ﴿فَرَجَّ الْخَيْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ﴾ و چون اتحاد، یگانگی دو چیزی است که به وجهی متمایزند؛ پس حقیقت متحد علوی و فاطمی بعد از صدور از مقام عنداللهی، در عین یگانگی، به‌وجهی متمایز نیز بودند؛ لذا یکی، نقش نقاش و تصویرساز داشت و دیگری، نقش لوح و تصویرگیر و از جنبه تمایزشان است که گفته شد: «بَيْنَهُمَا بَيْنٌ لَا يَتَغَيَّبَانِ»؛ زیرا نقاش غیبرلوح است؛ بعد امام در تفسیر «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» و در بیان امر متکثری که از این حقیقت واحد جامع، با تفرق و پراکندگی صادر شد، می‌فرماید: «يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٍ؛» یعنی از آن وجود جمعی، بر اساس تقدیر حقیقت فاطمی و تفرقه حاصل از تقدیر حقیقت فاطمی، خیر کثیری خارج شد، و تامل حکیمی و مرد حکیمی و مرد حکیمی صادر گردید.

- تاملی در معانی چندگانه «خَيْرٌ كَثِيرٌ»**

در مورد «خَيْرٌ كَثِيرٌ» چند احتمال قابل طرح است: یکی اینکه «خَيْرٌ كَثِيرٌ» عبارت است از حقیقت محمدی ^(ص) در مرتبه بعد از نزول از آن وجود جمعی و از این باب است که حقیقت فاطمی، ام‌اینها است؛ زیرا این مرتبه حقیقت محمدی، به استناد قابلیت حقیقت فاطمی صادر شده است. در این فرض سه «رَجُلٌ حَكِيمٌ» را می‌تواند به ترتیب بر وجود امیرالمؤمنین ^(ع) و وجود امام حسن ^(ع) و وجود امام حسین ^(ع) در مرتبه تفرق «خَيْرٌ كَثِيرٌ»، تطبیق نمود؛ چون این سه امام همام را نسبت به جمعیت نسبی حقیقت محمدی در این رتبه، می‌توان وجودات متفرق او گرفت که در حقیقت جمعی فاطمی تقدیر شده و بر اساس آن تقدیر، ابتدا حقیقت محمدی و سپس حقیقت این سه امام همام صادر گردیده است.

احتمال دوم این است که مراد از «خَيْرٌ كَثِيرٌ» جهان امکانی است که به‌واسطه «صادر نخستین» (که به‌وجهی همان حقیقت محمدی، و به‌وجهی همان حقیقت متحد علوی و فاطمی است)، از حضرت حق صادر گردید؛ زیرا «صادر نخستین» واسطه فیض بین حق و خلق است. در این فرض سه «رَجُلٌ حَكِيمٌ» را می‌تواند به ترتیب بر وجود «عالم مجرد مثالی» و وجود «عالم مجرد عقلی» و وجود «عالم مجرد مثالی» و وجود «عالم ناسوتی» در مرتبه تفرق «خَيْرٌ كَثِيرٌ»، تطبیق نمود.

حکیم بودن عالم عقلی و عالم مثالی به‌خاطر تجردشان روشن است؛ اما حکیم بودن عالم ناسوتی نیز، بدین خاطر است که حقیقت «علم» در همه عوالم و از جمله در عالم ناسوتی، گرچه با رتبه نازل‌تر، ساری و جاری است؛ پس هریک از عوالم سه‌گانه امری حکیم است.

خداوند اشاره شده و همچنین به طغیان، غفلت و بی‌اعتنایی انسان‌ها به نعمت‌های خداوند به‌عنوان ریشه‌های ظلم و ستم اشاره می‌فرماید.

حجت‌الاسلام والمسلمین وافی، با اشاره به اضطراب ناشی از بیماری اظهار کرد: در بیماری کرونا، اضطرابی که در جامعه همه‌گیر شده بود، خطرناک‌تر از خود بیماری شد و از آنجا که انس با دعا می‌تواند، اضطراب را کم کند، نسخه‌هایی از صحیفه سجادیه در کنار کمک‌هایی که به مردم لبنان ارسال می‌شود، قرار می‌گیرد.

وی ادعیه صحیفه سجادیه را دارای سیر و نظم دانست و افزود: تقدم و تاخر فرازهای

حجت‌الاسلام والمسلمین وافی، با اشاره

به اضطراب ناشی از بیماری اظهار کرد: در بیماری کرونا، اضطرابی که در جامعه همه‌گیر شده بود، خطرناک‌تر از خود بیماری شد و از

آنجا که انس با دعا می‌تواند، اضطراب را کم کند، نسخه‌هایی از صحیفه سجادیه در کنار کمک‌هایی که به مردم لبنان ارسال می‌شود، قرار می‌گیرد.

وی ادعیه صحیفه سجادیه را دارای سیر و نظم دانست و افزود: تقدم و تاخر فرازهای

دعای چهاردهم صحیفه سجادیه امید انسان به نصرت الهی را افزایش می‌دهد

متحوس کرونا، ۶ بار توسط ایشان به خوانش صحیفه سجادیه و دعاهای آن توصیه شده است که نشان می‌دهد، این کتاب، برای ایشان یک کتاب همراه است و خاطراتی نقل شده که ایشان کتاب صحیفه سجادیه را بر روی میز خود و دم دست دارند.

وی در ادامه فراز اول دعای چهاردهم را دارای سه نکته راهبردی دانست و گفت: در ابتدای دعا به تفکر توحیدی، امید به نصرت الهی و تنهایی دشمن در یاری

و وقتی از امت اسلام صحبت می‌کنیم، به فرد فرد انسان‌ها کار داریم. در دعا‌های امام سجاد^(ع) سیر و مقاطعی از فرد، گروه و امت اسلامی وجود دارد.

به گزارش خبرگزاری رسا، حجت‌الاسلام والمسلمین وافی با اشاره به توصیه رهبر معظم انقلاب در قرائت دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، اظهار کرد: ولی امر مسلمین با نگاه توسل و دعا به مأموریتی که به‌عهده دارند، پیش و بعد از بیماری

حجت‌الاسلام والمسلمین وافی